

به نام خدا

مجموعه کتاب‌های موضوعی

هزار فن

فن یکم عروض و قافیه

حمزه نصراللهی



مهر و ماه



هومان

فهرست مطالب

۷	بخش ۱	تیپ‌شناسی
۱۵	بخش ۲	درسنامه و تست
۱۶	درس ۱: قافیه	درس ۱۱ / علوم و فنون ادبی دهم
۳۵	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۴۶	درس ۲: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی	درس ۲ / علوم و فنون ادبی دهم
۵۰	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۵۵	درس ۳: هماهنگی پاره‌های کلام	درس ۵ / علوم و فنون ادبی دهم
۶۵	درس ۴: وزن شعر فارسی	درس ۸ / علوم و فنون ادبی دهم
۷۵	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۸۲	درس ۵: پایه‌های آوایی	درس ۲ / علوم و فنون ادبی یازدهم
۹۱	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۱۰۰	درس ۶: پایه‌های آوایی همسان (۱)	درس ۵ / علوم و فنون ادبی یازدهم
۱۱۵	درس ۷: پایه‌های آوایی همسان (۲)	درس ۸ / علوم و فنون ادبی یازدهم
۱۳۰	سؤالات چهارگزینه‌ای	

۱۴۵ **درس ۸: پایه‌های آوایی همسان دولختی** / درس ۱۱ / علوم و فنون ادبی یازدهم

۱۵۶ **سؤالات چهارگزینه‌ای**

۱۶۶ **درس ۹: پایه‌های آوایی ناهمسان** / درس ۲ / علوم و فنون ادبی دوازدهم

۱۸۸ **سؤالات چهارگزینه‌ای**

۱۹۸ **درس ۱۰: اختیارات شاعری (۱): زبانی** / درس ۵ / علوم و فنون ادبی دوازدهم

۲۱۷ **سؤالات چهارگزینه‌ای**

۲۲۹ **درس ۱۱: اختیارات شاعری (۲): وزنی** / درس ۸ / علوم و فنون ادبی دوازدهم

۲۵۶ **سؤالات چهارگزینه‌ای**

۲۷۱ **درس ۱۲: وزن در شعر نیمایی / نام‌گذاری فصل‌ها** / درس ۱۱ / علوم و فنون ادبی دوازدهم

۲۹۴ **سؤالات چهارگزینه‌ای**

۳۱۱ **بخش ۳ آزمون‌ها**

۳۲۹ **بخش ۴ پاسخ‌نامه**

۳۳۰ **پاسخ‌نامه تشریحی**

۵۰۶ **پاسخ‌نامه کلیدی**

برای مشاهده کنکور دی و تیر ماه
QR-Code روبه‌رو را اسکن کنید!



درس ۱: قافیه

علوم و فنون ادبی دهم

درس ۱۱

اشاره

همون جور که می‌دونی، «قافیه» و مباحث مربوط به اون، درس یازدهم کتاب درسی علوم و فنون ادبی (۱) به حساب می‌آید؛ اما از اون جایی که درس‌های ۲، ۵ و ۸ علوم و فنون ادبی (۱) به «وزن شعر» مربوط می‌شن - و البته ادامهٔ مباحث وزن شعر رو هم توی علوم و فنون ادبی ۲ و ۳ داریم - لازم بود که قبل از پرداختن به اونا، اول پروندهٔ «مبحث قافیه» رو ببینیم، بعد با خیال راحت، بریم سراغ توضیح مباحث «وزن شعر و انواع وزن‌ها و اختیارات شاعری و ...».

قبل از این که بریم سراغ قافیه و مباحث مربوط به اون لازمه چندتا مطلب مهم رو دربارهٔ وزن و تأثیرش توی شعر بدونی:

تأثیر وزن در زیبایی شعر

- شعر **عبارت است از** ← سخنی خیال‌انگیز، موزون (دارای وزن) و سرشار از عاطفه و احساس.
- وزن ← به شعر، زیبایی می‌بخشد و آن را اثرگذار می‌سازد.
- اگر وزن شعری را به هم بزنیم ← ۱ از زیبایی و تأثیر آن بسیار کاسته می‌شود. ۲ زیبایی و شورانگیزی‌اش را از دست می‌دهد. ۳ **یکی دو تا مثال می‌زنم تا موضوع رو خوب خوب بگیری!**

مثال آب زنیـد راه را، هیـن که نگار می‌رسـد
مژده دهید باغ را، بوی بهار می‌رسـد

همون جور که می‌بینی، این شعر، وزن و ریتم (آهنگ) خاصی داره؛ به این شکل:

دَم دَم دَم / دَم دَم دَم / دَم دَم دَم / دَم دَم دَم / دَم دَم دَم / دَم دَم دَم

اما اگه کلماتش رو جابه‌جا کنیم و ترتیب اونا رو به هم بزنیم، وزن شعر هم به هم می‌ریزه و اثرگذاری و شورانگیزی خودشو از دست می‌ده؛ به این شکل:

«هیـن، راه را آب زنیـد که نگار می‌رسـد
باغ را مژده دهید، بوی بهار می‌رسـد»

به مثال دیگه:

مثال تا نگرـدی آشنا، زین پرده رمزی نشـنوی
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سـروش

این شعر، وزن و آهنگ خاصی داره، به این صورت:

دَم دَم دَم / دَم دَم دَم / دَم دَم دَم / دَم دَم دَم / دَم دَم دَم / دَم دَم دَم

اما با جابه‌جا شدن کلماتش، وزن و زیبایی و شورانگیزی خودشو کاملاً از دست می‌ده؛ به این شکل:

«تا آشنا نگرـدی، رمزی زین پرده نشـنوی
گوش نامحرم جای پیغام سـروش نباشد»

پس «وزن» برای شعر لازم لازمه؛ والسلام.

قافیه



- قافیه ← واژه‌های هم‌آهنگ و غیرتکراری است که در پایان مصراع‌ها و ابیات می‌آید و حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک است؛ **ضمن این‌که** ← به حرف یا حروف مشترک پایان واژه‌های قافیه نیز، «حروف قافیه» گفته می‌شود.

نکته

گاه واژه‌های قافیه در یکی از مصراع‌ها و یا هر دو مصراع بیت، دو یا چندجزئی است؛ **که در این صورت** ← آن واژه‌های چندجزئی، با تمامی اجزایشان و به صورت یک‌جا، واژه قافیه به شمار می‌روند. **پس حواست باشه** که مبادا بعضی از اجزای این جور واژه‌های چندجزئی رو جداگونه واژه قافیه بدولیم!

مثال آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم / یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم
 + ردیف ← می‌گردیم / واژه‌های قافیه ← تشنه لبان، جهان / حروف قافیه ← ان **می‌بینی که «تشنه لبان»** (توی مصراع اول) - که به واژه چندجزئی (تشنه + لب + ان) - با «جهان» (توی مصراع دوم) - که به واژه به جزئی و ساده‌ست - هم‌قافیه شده؛ به عبارتی نباید «لبان» رو به تنهایی با «جهان» قافیه بدولیم.

مثال بیابانِ بختِ رضوانِ غلامِ حورنهاد / که حق هر آنچه ز لطف است و حسن، بر تو نهاد
 + واژه‌های قافیه ← حورنهاد (: حوری سرشت)، نهاد (: قرارداد) / حروف قافیه ← اد **«حورنهاد، توی مصراع اول، به واژه چندجزئی (حور + نهاد (: سرشت))؛ اما به طور به‌جا به عنوان به واژه مستقل با «نهاد، توی مصراع دوم - که به واژه به جزئی و ساده‌ست - هم‌قافیه شده.**

مثال قد تو سر روی است بهشتی چمن / روی تو شعمی است بهشت انجمن
 + واژه‌های قافیه ← بهشتی چمن، بهشت انجمن / حروف قافیه ← ن **«بهشتی چمن» و «بهشت انجمن» توی این بیت، چندجزئی هستن؛ اما اجزایشون به طور به‌جا، به عنوان واژه‌های قافیه به کار رفتن. گرفتی قضیه رو؟**

مثال در پیش بی‌دردان چرا فریاد بی‌حاصل کنم؟! / گر شکوه‌ای دارم ز دل، با یار صاحب‌دل کنم
 + ردیف ← کنم / واژه‌های قافیه ← بی‌حاصل، صاحب‌دل / حروف قافیه ← ل **همون جور که می‌بینی، «بی‌حاصل» و «صاحب‌دل» به طور به‌جا واژه‌های قافیه به حساب میان؛ یعنی نباید «حاصل» و «دل» رو جداگونه واژه‌های قافیه بدولیم.**

نکته

گاه واژه‌های قافیه با یکدیگر «جناس تام یا همسان» دارند؛ **به عبارتی** ← واژه‌های قافیه از نظر تلفظ و نوشتار یکسان‌اند اما معنای متفاوت دارند **که در این صورت** ← نباید به اشتباه آن‌ها را «ردیف» به شمار آورد.

مثال مگر می‌نبیتی که دد را و دام / نیتداخت جز حرص خوردن به دام؟!
 + ردیف ← - / واژه‌های قافیه (جناس تام یا همسان) ← دام (: جانور اهلی)، دام (: تله) / حروف قافیه ← ام
مثال هر کس که نهد پای بر آن خاکِ سر کو / ذکرش همه این است که گم‌گشته دلم کو
 + ردیف ← - / واژه‌های قافیه (جناس تام یا همسان) ← کو (: کوی، کوچه و محله)، کو (: کجاست) / حروف قافیه ← مصوت بلند «و»

مثال تا داد باغ را سمن و گل به نو نوا / بلبل همی سزاید بر گل به نو نوا
 + ردیف ← - / واژه‌های قافیه (جناس تام یا همسان) ← نوا (: ساز و برگ، توشه، سامان)، نوا (: نغمه، آهنگ) / حروف قافیه ← مصوت بلند «ا» **باز هم تأکید می‌کنم که مبادا اون دسته از واژه‌های قافیه رو که جناس تام هستن با «ردیف» اشتباه بگیری! «ردیف»، کلمه یا کلماتی هستن که بعد از واژه‌های قافیه، عیناً از نظر لفظ و معنی تکرار می‌شن؛ یعنی هم شکل نوشتاری یکسان دارن و هم معنای یکسان. لگی نگفتی!!**

🔗 توی این نمونه‌ها، هم «ردیف» وجود داره و هم این‌که واژه‌های قافیه با هم «جناس تام یا همسان» دارن؛ ببین:

مثال دوش چون در شکنِ طَرّه شب چین دادند / مژده آمدن آن صنم چین دادند

➕ ردیف ← دادند / واژه‌های قافیه (جناس تام یا همسان) ← چین (چین و شکن)، چین (سرزمین چین) / حروف قافیه ← ین

مثال ساعتی کز درم آن سرو روان باز آید / راست، گویی به تن مرده روان باز آید

➕ ردیف ← باز آید / واژه‌های قافیه (جناس تام یا همسان) ← روان (رونده)، روان (روح، جان) / حروف قافیه ← ان

نمونه تست

۱. در هیچ‌یک از ابیات «ردیف» وجود ندارد؛ به جز:

(۱) دوش گیسوی تورا ریخته دیدم بر دوش
 (۲) قابل این گفته‌ها شو گوش‌وار
 (۳) گدا را چو حاصل شود نان شام
 (۴) بر من که صبحی زده‌ام خرقة حرامست

دانش‌آموزان عزیز، پاسخ نمونه تست‌ها، در قسمت پاسخنامه آمده تا شما بتونین خودتون رو بهتر محک بزنین و در نگاه اول پاسخ رو ببینین.

(تالیفی)

خاطر آشفته‌ام امشب ز پریشانی دوش
 تا که از زر سازمت من گوش‌وار
 چنان خوش بخسبید که سلطان شام
 ای مجلسیان! راه خرابات کدامست؟

قواعد قافیه

• حداقل حروف مشترک و لازم برای قافیه، تابع ۲ قاعده است؛ یعنی تمامی واژه‌های قافیه، صرفاً بر اساس ۲ قاعده کلی ساخته می‌شوند و ساختارشان به هیچ عنوان از این دو حالت خارج نیست؛ به این صورت:

■ **قاعده ۱:** هریک از مصوت‌های بلند «ا» و «و» به تنهایی، اساس قافیه (حروف مشترک واژه‌های قافیه) قرار می‌گیرند؛ به عبارتی ← طبق این قاعده، واژه‌های قافیه به مصوت بلند «ا» و یا «و» ختم می‌شود.

مثال صبا! به لطف بگو آن غزال رعنا را / که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را

➕ ردیف ← را / واژه‌های قافیه رعنا، ما / حروف قافیه ← مصوت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

مثال سلسله موی دوست حلقه دام بلاست / هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست

➕ ردیف ← ست (مخفف «است») / واژه‌های قافیه ← بلا، ماجرا / حروف قافیه ← مصوت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

مثال ای چشم تو دلفریب و جادو / در چشم تو خیره چشم آهو

➕ واژه‌های قافیه ← جادو، آهو / حروف قافیه ← مصوت بلند «و» (طبق قاعده ۱)

مثال گرت صورت حال، بد یا نکوست / نگارنده دست تقدیر اوست

➕ ردیف ← ست (مخفف «است») ← واژه‌های قافیه ← نکو، او / حروف قافیه ← مصوت بلند «و» (طبق قاعده ۱)

■ **قاعده ۲:** هریک از مصوت‌ها (چه مصوت‌های کوتاه «ا»، «ی»، «و» و چه مصوت‌های بلند «ا»، «ی»، «و») با یک یا دو صامت پس از خود، اساس قافیه (حروف مشترک واژه‌های قافیه) قرار می‌گیرند؛ به عبارتی ← طبق این قاعده، واژه‌های قافیه به «مصوت + صامت» یا «مصوت + صامت + صامت» ختم می‌شود.

🔗 مثلاً رو ببین تا مطلب رو خوب خوب بفهمی:

مثال بشنیده‌ام که عزم سفر می‌گنی، مکن / مهر حریف و یار دگر می‌گنی، مکن

➕ ردیف ← می‌گنی، مکن / واژه‌های قافیه ← سفر، دگر / حروف قافیه ← ر (مصوت کوتاه + صامت؛ طبق قاعده ۲)

مثال کی شعر تر انگیزد خاطر که **حزین** باشد؟! یک نکته از این معنی گفتیم و **همین** باشد

+ ردیف ← باشد / واژه‌های قافیه ← **حزین، همین** / حروف قافیه ← **ین** (مصوت بلند + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال نکونام و صاحب‌دل و **حق‌پرست** خطِ عارضش خوش‌تر از خطِ **دست**

+ ردیف ← / واژه‌های قافیه ← **حق‌پرست، دست** / حروف قافیه ← **ست** (مصوت کوتاه + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال کسی دانه نیک‌مردی **نکاشت** کز و خرمین کامِ دل **برنداشت**

+ ردیف ← / واژه‌های قافیه ← **نکاشت، برنداشت** / حروف قافیه ← **اشت** (مصوت بلند + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)

توجه!

«و» در واژه‌هایی چون **نو** (تازه و جدید)، **رُو** (برو)، **جُو**، **دُو** (دویدن)، **جُور** (ظلم و ستم)، **دُور** (گردش)، **اوج**، **موج**، **قُول** (سخن و گفتار)، **حُول** (پیرامون)، **ذوق**، **شوق**، **طوق** (گردن‌بند، قلاده)، **خُوف**، **جَلو**، **گِرُو**، **شِنُو**، **فِرْدُوس** و... ← صامت است و به صورت «**و**» (مصوت کوتاه «**و**» + صامت «**و**» ← **معاذل** OW) تلفظ می‌شود: **بنابراین** ← اگر این واژه‌ها در یک بیت، واژه‌های قافیه باشند، قاعده ساخت قافیه در آن‌ها قاعده ۲ است. **پس**، مبدا «**و**» و **تو** این **جور** واژه‌ها به **اشتباه**، **مصوت بلند «و»** به حساب بیاری و مثلاً «**فِرْدُوس**» و **روبا «طوس»** هم قافیه کنی یا «**قُول**» و **روبا «غول»** و **همین‌طور «جُو»** و **روبا «جو»** (جوی آب) و... و این جور **خراب‌کاری کنی!!!**

مثال چون شکسته می‌رهد، **اشکسته شو** امن در فقر است، اندر فقر **رُو**

+ ردیف ← / واژه‌های قافیه ← **شو، رُو** / حروف قافیه ← **و** (مصوت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال یک قدم زد آدم اندر **ذوق** نفس شد فراقِ صدرِ جنتِ **طوق** نفس

+ ردیف ← نفس / واژه‌های قافیه ← **ذوق، طوق** / حروف قافیه ← **وق** (مصوت کوتاه + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)

نمونه تست

۲. کدام قافیه‌ها طبق قاعده ۱ است؟

الف) کور را خود این قضا همراه اوست	ب) این دراز و کوتاهی کو جسم راست	پ) از شکاف روزن دیوارها	ت) پس امیرش گفت خامش کن برو
(۱) الف - ب	(۲) الف - ت	(۳) ب - پ	(۴) پ - ت

که مر او را اوفتادن طبع و خوست
چه دراز و کوتاه آن‌جا که خداست؟!
مطلع گردند بر اسرارها
تا نگردد جاننت زین جرأت گرو

(سراسری خارج ۹۶)

نکته

«پسوند» و «پیشوند» اگرچه واژه نیستند، اما در صورتی که تکراری نباشند، به تنهایی می‌توانند اساس قافیه (واژه قافیه) قرار بگیرند.

مثال بر سر آنم که گرز دست **برآید** دست به کاری زخم که غصه **سر آید**

+ ردیف ← آید / واژه‌های قافیه ← **بر (پیشوند فعلی)، سر** / حروف قافیه ← **ر** (مصوت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

درس ۶: پایه‌های آوایی همسان (۱)

علوم و فنون ادبی یازدهم

درس ۵

پایه‌های آوایی

• پایه‌های آوایی ← اجزا و کلمات مصراع‌های یک شعر است که پس از تقطیع هجایی و تقطیع به ارکان - بر اساس نظمی که بین هجاهای آن‌ها دیده می‌شود - آن‌ها را به دسته‌های ۴ هجایی (۴ تا ۴ تا)، ۳ هجایی (۳ تا ۳ تا)، ۴ هجایی ۳ هجایی (۴ تا ۳ تا)، ۳ هجایی ۴ هجایی (۳ تا ۴ تا) و... تقسیم می‌کنیم.

انواع پایه‌های آوایی

• پایه‌های آوایی ^{۲ دسته‌اند} ۱ پایه‌های آوایی همسان ۲ پایه‌های آوایی ناهمسان

• آن دسته از پایه‌های آوایی است که ← بر اساس هماهنگی و نظمی مشخص (به صورت منظم) در پی هم می‌آیند.

• این دسته از پایه‌ها ← ۲ نوع‌اند: شامل:

۱ پایه‌های آوایی همسان تکراری (تک‌پایه‌ای) که ← هجاهایشان به صورت منظم و در قالب خوشه‌های ۴ هجایی، ۳ هجایی و... عیناً تکرار می‌شود.

۲ پایه‌های آوایی همسان دولختی (دوری) که ← در آن‌ها، دو پایه آوایی و یا دو رکن عروضی مختلف، به صورت متفاوت (یکی در میان) در مصراع‌ها تکرار می‌شود.

پایه‌های آوایی
همسان

• آن دسته از پایه‌های آوایی است که ← بر اساس هماهنگی و نظمی مشخص در پی هم نمی‌آیند؛ بلکه هجاهایشان به صورت نامنظم و غیرتکراری در کنار هم می‌نشینند.

پایه‌های آوایی
ناهمسان

📌 تو این درس و درس بعد، پایه‌های آوایی همسان تکراری (تک‌پایه‌ای) رو کامل و مفصل برات توضیح می‌دم. تو درس ۸ و ۹ هم با «پایه‌های آوایی همسان دولختی (دوری)» و «پایه‌های آوایی ناهمسان» آشنا می‌شی.

پایه‌های آوایی همسان تکراری (تک‌پایه‌ای)

• پایه‌های آوایی همسان تکراری (تک‌پایه‌ای) ← آن دسته از پایه‌های آوایی است که به صورت هم‌آهنگ و منظم، در مصراع‌های یک شعر می‌آیند و هجاهایشان نیز، به صورت منظم و در قالب خوشه‌های ۴ هجایی، ۳ هجایی و... عیناً تکرار می‌شود؛ ^{به عبارت بهتر} ← پایه‌های آوایی همسان تکراری (تک‌پایه‌ای) ← ۱ از پایه‌های هم‌آهنگ و منظم تشکیل می‌شوند. ۲ خوشه‌های هجایی‌شان تکراری است و در قالب دسته‌های ۴ هجایی (۴ تا ۴ تا)، ۳ هجایی (۳ تا ۳ تا) و ۲ هجایی (۲ تا ۲ تا) عیناً تکرار می‌شود. ۳ «وزن‌واژه‌ها» یا «ارکان عروضی» معادل آن‌ها نیز، عیناً تکراری است؛ ^{یعنی} ← یک رکن عروضی خاص در آن‌ها عیناً تکرار می‌شود.

مثال چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟! چه باک از موج بحر، آن را که باشد نوح کشتی بان؟!

چ	غَم	دِیدِ	وَا	رِ	اَمَ	مَت	رَا	کِ	دَا	زَدَ	چُنْ	تْ	پُشَ	تِی	بَانْ
چ	بَا	کَزَ	مُو	چِ	بَحَ	رَا	کِ	بَا	شَدَ	نُو	حَ	کَشَ	تِی	بَانْ	
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-

➔ همون جور که می‌بینی، مصراع‌های این بیت، از پایه‌های آوایی منظم و هم‌آهنگ تشکیل شده و خوشه‌های هجایی هر دو مصراع هم عیناً به صورت تکراری اومده و از تکرار منظم «U--» ساخته شده: به همین دلیل ← می‌گیم این بیت، از «پایه‌های آوایی همسان تکراری» تشکیل شده.

اوزان همسان تکراری (تک‌پایه‌ای)

- آن دسته از اوزان شعری است ← که ۱ از پایه‌های آوایی هم‌آهنگ، منظم و همسان تشکیل می‌شوند.
- خوشه‌های هجایی‌شان تکراری است و در قالب دسته‌های ۴ هجایی (۴ تا ۴ تا)، ۳ هجایی (۳ تا ۳ تا) و ۲ هجایی (۲ تا ۲ تا) می‌آید. ۳ از تکرار یک نوع «وزن‌واژه» یا «رکن عروضی» خاص به وجود می‌آید.
- چیدمان «پایه‌های آوایی» یا «ارکان عروضی» در «اوزان همسان تکراری (تک‌پایه‌ای)» ← ۳ حالت دارد: به این ترتیب:
 - ۱ چیدمان «پایه‌های آوایی» یا «ارکان عروضی» در آن دسته از اوزان همسان تکراری (تک‌پایه‌ای) که مصراع‌هایشان دارای چهار خوشه ۴ هجایی (۴ تا ۴ تا) یا چهار خوشه ۳ هجایی (۳ تا ۳ تا) است، به این صورت می‌باشد:

مصرع اول
مصرع دوم

مثال سوزد مرا، سازد مرا، در آتش اندازد مرا وز من رها سازد مرا، بیگانه از خویشم کند

سو	زَدَ	مَ	رَا	سَا	زَدَ	مَ	رَا	دَرِ	اَ	تَ	شَنَ	دَا	زَدَ	مَ	رَا
وَزَ	مَنْ	زَ	هَا	سَا	زَدَ	مَ	رَا	بِی	گَا	نِ	اَزَ	خِی	شَمَ	کَ	نَدَ
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-

➔ همون جور که می‌بینی، مصراع‌های این بیت از «چهار پایه آوایی ۴ هجایی» و همین‌طور «چهار خوشه ۴ هجایی یکسان» تشکیل شده: بین ← چون همه پایه‌های آوایی مصراع‌هاش هم‌آهنگ و منظم هستن و همه خوشه‌های هجاییش هم ۴ هجایی هستن و عیناً تکرار شدن، می‌گیم این بیت از «پایه‌های آوایی همسان تکراری» ساخته شده و وزنش هم «وزن همسان تکراری (تک‌پایه‌ای)» به حساب میاد.

مثال خدایا! تو دانی که ما را چه آمد خدایا! تو دانی که ما را چه می‌شد

خُ	دَا	یَا	تْ	دَا	نِی	کِ	مَا	رَا	چِ	اَ	مَدَ
خُ	دَا	یَا	تْ	دَا	نِی	کِ	مَا	رَا	چِ	مِی	شَدَ
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-

➔ وزن بیت، «وزن همسان تکراری (تک‌پایه‌ای)» به حساب میاد: چون ← مصراع‌هاش هم از «۴ پایه آوایی همسان و هم‌آهنگ» و هم از «۴ خوشه هجایی یکسان و تکراری» به صورت «U--/U--/U--/U--» تشکیل شده.

درس ۸: پایه‌های آوایی همسان دولختی

علوم و فنون ادبی یازدهم

درس ۱۱

پایه‌های آوایی همسان دولختی

• پایه‌های آوایی همسان دولختی ← آن دسته از پایه‌های آوایی همسان هستند که - همانند پایه‌های آوایی همسان تکراری - منظم‌اند و بر اساس نظم مشخص در پی هم می‌آیند: **۱** - برخلاف پایه‌های آوایی همسان تکراری - هجاهایشان در قالب خوشه‌های ۴ هجایی، ۳ هجایی و ... عیناً تکرار نمی‌شود: **بلکه** ← هجاهایشان در قالب خوشه‌های هجایی «۴ تا ۴ تا»، «۳ تا ۴ تا»، «۴ تا ۳ تا»، «۲ تا ۳ تا» و ... به صورت متناوب (یکی در میان) در پی هم می‌آیند: **به عبارت بهتر** ← پایه‌های آوایی همسان دولختی ← **۱** از پایه‌های آوایی منظم تشکیل می‌شوند. **۲** خوشه‌های هجایی‌شان تکراری نیست: بلکه در قالب دسته‌های هجایی «۴ تا ۴ تا»، «۳ تا ۴ تا»، «۴ تا ۳ تا»، «۲ تا ۳ تا» و ... و البته به صورت متناوب (یکی در میان) می‌آید. **۳** وزن‌واژه‌ها یا ارکان عروضی معادل آن‌ها نیز، متناوب است: **یعنی** ← در آن‌ها، یک رکن عروضی خاص و ثابت تکرار نمی‌شود: بلکه دو وزن‌واژه یا دو رکن عروضی مختلف، به صورت متناوب (یکی در میان) می‌آید.

مثال ای دوست! شکر خوش‌تر، یا آن که شکر سازد؟
خوبی قمر بهتر، یا آن که قمر سازد؟

ای	دو	سُت	شِ	گَر	خُش	تَر	یا	اَن	کِ	شِ	گَر	سَا	زَد
خو	بی	یِ	فِ	مَر	بِه	تَر	یا	اَن	کِ	فِ	مَر	سَا	زَد
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
وزن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن							

• همون‌جور که می‌بینی، مصراع‌های این بیت، از «پایه‌های آوایی همسان دولختی» تشکیل شده: **یعنی** ← نوع نظم موجود بین پایه‌های آوایی این بیت، با نوع نظم که توی پایه‌های آوایی همسان تکراری بود، فرق داره: **به این صورت که** ← به پایه آوایی مشخص و ثابت عیناً تکرار نشده و خوشه‌های هجایی هر دو مصراع هم تکراری نیستن؛ بلکه دو تا خوشه هجایی «-ل-» و «-ل-» به صورت متناوب (یکی در میان یا نوبت‌نوبتی) تکرار شدن: **به همین دلیل** ← می‌گیم این بیت از «پایه‌های آوایی همسان دولختی» تشکیل شده.

• حالا بریم سراغ «وزن‌های همسان دولختی (دُوری)» که از «پایه‌های آوایی همسان دولختی» تشکیل می‌شن:

اوزان همسان دولختی (دُوری)

• آن دسته از اوزان شعری است که ← **۱** از پایه‌های آوایی منظم و همسان تشکیل می‌شوند. **۲** یک خوشه هجایی در آن‌ها عیناً تکرار نمی‌شود: **بلکه** ← خوشه‌های هجایی‌شان در قالب دسته‌های «۴ تا ۴ تا»، «۳ تا ۴ تا»، «۴ تا ۳ تا»، «۲ تا ۳ تا» و ... به صورت متناوب (یکی در میان) در مصراع‌ها تکرار می‌شود. **۳** دو وزن‌واژه یا دو رکن عروضی مختلف، در مصراع‌های آن به صورت متناوب (یکی در میان) می‌آید. **۴** هر مصراع، به دو قسمت (نیم‌مصراع) مساوی تقسیم می‌شود: **به گونه‌ای که** ← قسمت دوم (نیم‌مصراع دوم) و موسیقی و آهنگ حاصل از آن، تکرار قسمت اول (نیم‌مصراع اول) است. **۵** هر نیم‌مصراع، می‌تواند در حکم یک مصراع، و هر مصراع نیز می‌تواند در حکم یک بیت باشد.

• چیدمان پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی در «اوزان همسان دولختی (دُوری)»:



🔗 همین بیتِ اولِ مبحثمون رو دوباره بررسی می‌کنیم:

خوبی قمر بهتر، یا آن که قمر سازد؟

خ	و	ب	ی	ق	م	ر	ب	ه	ت	ر	پ	ا	ا	ن	ک	ق	م	ر	س	ا	ز	د
-	-	U	U	-	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مصراع اول											نیم‌مصراع دوم											
مصراع دوم																						

مثال ای دوست! شکر خوش‌تر، یا آن که شکر سازد؟

ا	ی	د	و	س	ت	ش	ک	ر	خ	و	ش	ت	ر	پ	ا	ا	ن	ک	ق	م	ر	س	ا	ز	د
-	-	U	U	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
مصراع اول											نیم‌مصراع دوم														
مصراع اول																									

🔗 وزن این بیت، به «وزن همسان دولختی (دُوری)» به حساب می‌آید؛ چون ۱ از پایه‌های آوایی همسان دولختی تشکیل شده. ۲ هجاهای هر مصراعش، در قالب خوشه‌های ۳ هجایی ۴ هجایی (۳ تا ۴ تا) و به صورت متناوب (یکی در میان) اومدن. ۳ وزن بیت، از کنار هم قرار گرفتن دو تا وزن واژه یا دورکن عروضی مختلف (مفعول + مفاعیلین) به صورت متناوب (یکی در میان) ساخته شده. ۴ هر مصراع، از دو قسمت یا دو نیم‌مصراع کاملاً مساوی و مشابه تشکیل شده؛ طوری که قسمت دوم (نیم‌مصراع دوم) و آهنگ حاصل از آن، دقیقاً تکرار قسمت اول (نیم‌مصراع اول) به حساب می‌آید؛ به عبارتی هر مصراع می‌تونه در حکم یک بیت باشه و هر نیم‌مصراع هم در حکم یک مصراع.

ویژگی‌ها و مشخصات اوزان همسان دولختی (دُوری)

۱ از وزن‌واژه‌ها یا ارکان عروضی متناوب (یکی در میان) و در قالب خوشه‌های هجایی «۴ تا ۴ تا»، «۳ تا ۴ تا»، «۴ تا ۳ تا»، «۲ تا ۳ تا» و ... تشکیل می‌شود نه از تکرار یک وزن‌واژه (رکن عروضی) و یا یک خوشه هجایی ثابت و مشخص. ۲ هر مصراع آن، از دو قسمت (دو نیم‌مصراع) یکسان و مشابه و به عبارتی، از «دو پاره همگون» تشکیل می‌شود به‌گونه‌ای که قسمت دوم (نیم‌مصراع دوم) و آهنگ حاصل از آن، تکرار قسمت اول (نیم‌مصراع اول) و آهنگ حاصل از آن است.

۳ هر «مصراع» در حکم یک بیت، و هر «نیم‌مصراع» نیز، در حکم یک مصراع است؛ چون همون جور که گفتیم، هر مصراع می‌تونه به دو نیم‌مصراع کاملاً مساوی و یکسان تقسیم بشه.

۴ با توجه به این که هر مصراع در حکم یک بیت و هر نیم‌مصراع نیز در حکم یک مصراع است پس هجای پایانی نیم‌مصراع‌های اول، همانند هجای پایانی مصراع‌ها همواره بلند (-) است؛ به این معنا که اگر در پایان نیم‌مصراع‌های اول، هجای کوتاه (U) یا هجای کشیده (U-) بیاید، همانند هجای پایانی مصراع‌ها و ابیات، باید آن را هجای بلند (-) به حساب بیآوریم تا وزن شعر مختل نشود.

۵ بعد از نیم‌مصراع‌های اول، وقفه، مکث یا درنگی آشکار وجود دارد که هنگام خواندن مصراع یا بیت، شنونده یا مخاطب، متوجه آن می‌شود.

مثال بگذرد این روزگار تلخ‌تر از زهر بار دگر روزگار چون شکر آید

بَگ	ذَ	رَ	دین	رو	زِ	گَا	رِ	تَل	خ	تَ	رَز	زَهر
با	رِ	دِ	رَگَر	رو	زِ	گَا	رِ	چَن	شِ	کَ	را	یَد
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	U
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
وزن	مفتعلن			فاعلات			مفتعلن			فَع		

مثال ماه فروماند از جمال محمّد سرو نباشد به اعتدال محمّد

ما	ه	فَ	رو	ما	تَ	دَز	جَ	ما	لِ	مُ	حَم	مَد
سَر	و	نَ	با	شَد	بِ	اِع	تَ	دا	لِ	مُ	حَم	مَد
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
وزن	مفتعلن			فاعلات			مفتعلن			فَع		

مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل = مفعول فاعلات مفاعل فاعلن
 (-U/-U--/UU-U/-U--)

- این وزن ← از ترکیب ۴ رکن عروضی مختلف و ناهمسان به صورت «مفعول + فاعلات + مفاعل + فاعلن» ساخته شده.
- هجاهای هر مصراع آن، به صورت خوشه‌های «۳هجایی + ۴هجایی + ۴هجایی + ۳هجایی» یعنی «-U-- + -U-U + U--U + U--» است.
- این وزن ← با اعمال تغییراتی در وزن اصلی «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن» - که یک وزن همسان دولختی (دوری) است - ساخته شده؛ به این صورت:



همون جور که قبلاً برات توضیح دادم، با اعمال تغییراتی توی ارکان عروضی اصلی یعنی «مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعلن و...» ارکان عروضی جدیدی ایجاد می‌شه. این‌جا هم قضیه از همین قراره. با اعمال تغییراتی توی ارکان عروضی «مفاعیلن» و «فاعلاتن»، ارکان عروضی جدیدی به وجود اومده؛ به این صورت:



سپس، این ارکان عروضی جدید، کنار هم قرار گرفتن و وزن ناهمسان «مفعول فاعلات مفاعل فاعلن» ایجاد شده.

نکته

هجاهای این وزن را می‌توان به خوشه‌های «۴هجایی + ۴هجایی + ۴هجایی + ۲هجایی» یعنی «-U -U --+UU-U + -U--» نیز تقسیم‌بندی کرد: ^{که در این صورت} وزن «مستفعلن مفاعله مستفعلن فاعله» به دست می‌آید - که این وزن نیز، یک وزن ناهمسان است -؛ به این شکل:

مستفعلن				مفاعله				مستفعلن				فاعله			
-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	U	-	U
مفعول				فاعلات				مفاعیل				فاعلن			

مثال بتمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

مستفعلن				مفاعله				مستفعلن				فاعله			
پن	ما	ی	رخ	ک	با	غ	گ	س	تا	ن	ما	ر	زوست		
بگ	شا	ی	لب	ک	قن	د	ف	را	وا	ن	ما	ر	زوست		
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	U	U	-U		
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	U	U	-U		
مفعول				فاعلات				مفاعیل				فاعلن			
وزن				وزن				وزن				وزن			

➕ هجاهای این بیت، نظم مشخصی ندارند و قابل تقسیم به «خوشه‌های هجایی یکسان و تکراری» یا «خوشه‌های هجایی دولختی و متناوب» نیستند؛ ^{بسی} نه با «وزن همسان تکراری» سر و کار داریم و نه با «وزن همسان دولختی (دوری)». وزن این بیت، یک وزن ناهمسان است که صرفاً با تقسیم کردن هجاهایش به خوشه‌های «۳هجایی + ۴هجایی + ۴هجایی + ۳هجایی» به صورت «مفعول فاعلات مفاعیل فاعله» به دست می‌آید؛ ^{ضمن این‌که} هجاهای این بیت را می‌توان به خوشه‌های «۴هجایی + ۴هجایی + ۴هجایی + ۲هجایی» یعنی به صورت «-U -U --+UU-U + -U--» هم تقسیم‌بندی کرد؛ که در این صورت، وزن «مستفعلن مفاعله مستفعلن فاعله» به دست می‌آید که یک وزن ناهمسان به شمار می‌رود.

🔗 در مورد نمونه‌های مشابهش هم، وضع به همین شکله: ببین:

مثال آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند؟!

مستفعلن				مفاعله				مستفعلن				فاعله			
ا	نا	ک	خا	ک	را	ب	ن	ظ	کی	م	یا	گ	ند		
ا	یا	ب	ود	ک	گو	ش	ی	چ	می	ب	ما	گ	ند		
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	U	U	-U		
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	U	U	-U		
مفعول				فاعلات				مفاعیل				فاعلن			
وزن				وزن				وزن				وزن			

➕ هجاهای این بیت، نظم مشخصی ندارند و قابل تقسیم به «خوشه‌های هجایی یکسان و تکراری» یا «خوشه‌های هجایی دولختی و متناوب» نیستند؛ ^{بسی} نه با «وزن همسان تکراری» سر و کار داریم و نه با «وزن همسان دولختی (دوری)». وزن این بیت، یک وزن ناهمسان است که صرفاً با تقسیم کردن هجاهایش به خوشه‌های «۳ هجایی + ۴ هجایی + ۴ هجایی» به صورت «مفعول فاعلات مفاعیلن» به دست می‌آید؛ ^{در ضمن} هجاهای این بیت را می‌توان به خوشه‌های «۴ هجایی + ۴ هجایی + ۳ هجایی» یعنی «- - / U - U / U - -» هم تقسیم‌بندی کرد؛ که در این صورت، وزن «مستفعلن مفاعل مستفعل» به دست می‌آید که یک وزن ناهمسان به شمار می‌رود.

📌 در مورد نمونه‌های بعدی هم همین طوره.

مثال ای آن‌که غمگنی و سزاواری! و ندر نهان، سرشک همی باری

		مستفعلن			مفاعل			مستفعل			
پایه‌های آوایی	ای	آن	ک	غم	گ	نی	ی	س	زا	وا	ری
	وَن	دَر	نَ	هَان	سَ	رِش	ک	هَ	می	با	ری
خوشه‌های هجایی	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	-
	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	-
وزن	مفعول			فاعلات			مفاعیلن				

مثال اقلیم، خادمان و زبان دارند افاق، خواجه‌گان و خسان دارند

		مستفعلن			مفاعل			مستفعل			
پایه‌های آوایی	اق	لی	م	خا	د	ما	ن	ز	نا	دا	زند
	آ	فا	ق	خا	چ	گا	ن	خ	سا	دا	زند
خوشه‌های هجایی	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U
	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U
وزن	مفعول			فاعلات			مفاعیلن				

📌 **تله** به وزن ناهمسان دیگه داریم به صورت «مفعول مفاعیل فاعلاتن: - - / U - - / U - -». این وزن - که جزء اوزان ناهمسان کم‌کاربرد شعر فارسیه - از نظر شنیداری (سماعی)، به شدت شبیه وزن «مفعول فاعلات مفاعیلن»، اما از نظر هجابندی و ارکان عروضی، با اون وزن تفاوت داره؛ ^{بسی} خواست باشه که مبدا این دو تا وزن رو با هم اشتباه بگیری.

📌 اما به نمونه از این وزن جدید ببین تا ترتیب هجاها و شکل ارکان عروضیشو بهتر متوجه بشی:

مثال ای پیر! نگه کن که چرخ برنا پیمود بسی روزگار بر ما

		مستفعلن			مستفعلن			مفعول			
پایه‌های آوایی	ای	پیر	ر	ب	گه	کن	ک	چرخ	خ	بر	نا
	پیر	مو	د	ب	سی	رو	ز	گا	ر	بر	ما
خوشه‌های هجایی	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	-
	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	-
وزن	مفعول			مفاعیلن			فاعلاتن				

📌 هجاهای این بیت رو همون جور که می‌بینی به صورت «۴ هجایی + ۴ هجایی + ۳ هجایی» یعنی «- - / U - - / U - - + U - -» هم می‌شه تقسیم کرد؛ ^{که در این صورت} وزن بیت به صورت «مستفعلن مستفعلن فاعولن» درمیاد.

نمونه بیت‌هایی با اوزان ناهمسان



● از کرده خویشتن پشیمانم جز توبه ره دگر نمی‌دانم (۲/۳)

پایه‌های آوایی	اَز	کَر	دِ	ی	خِی	ش	تَن	پَ	شِی	مَ	نَم
	جُز	تُو	بِ	رَ	هَ	دِ	گَر	نِ	مِی	دَا	نَم
خوشه‌های هجایی	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	-
	-	-	U	U	-X	U	-	U	-	-	-
وزن	مفعول	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن

➕ هجاهای این بیت را می‌توان به صورت «۴ تا ۴ تا ۲ تا» هم تقسیم کرد؛ که در این صورت وزن بیت به صورت «مُسْتَفْعَلُ فاعلات مُسْتَفْعَلُ» درمی‌آید؛ ^{در ضمن} ← هجای پنجم مصراع دوم (ه) یک هجای کوتاه است که طبق اختیارات شاعری، آن را به هجای بلند (-) تبدیل می‌کنیم تا با هجای بلند روبه‌رویش (خِی) یکسان شود و وزن بیت، درست حاصل شود.

● باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟! باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟! (۲/۳)

پایه‌های آوایی	بَا	زِیْنِ	چِ	شُو	رِ	شَس	ت	کِ	دَر	خَل	قِ	عَا	اَل	مَسْت
	بَا	زِیْنِ	چِ	تُو	حِ	وُ	چِ	عَ	زَا	وُ	چِ	مَ	تَ	مَسْت
خوشه‌های هجایی	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-X
	-	-	U	-	U	-X	U	U	-	-X	U	-	U	-X
وزن	مفعول	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن

➕ اگر هجاهای این بیت را به صورت «۴ تا ۴ تا ۲ تا» تقسیم‌بندی کنیم، وزن بیت به صورت «مُسْتَفْعَلُن مفاعل مُسْتَفْعَلُن فَعْل» به دست می‌آید؛ ^{در ضمن} ← هجاهای ششم و دهم مصراع دوم (و، و)، هجای کوتاه‌اند که طبق اختیارات شاعری، هر دو را به هجای بلند (-) تبدیل می‌کنیم تا به ترتیب، با هجاهای بلند روبه‌رویشان (شَس، خَل) یکسان شوند و وزن بیت، درست به دست بیاید. **هجای پایانی هر دو مصراع هم، طبق قاعده، بلند (-) به حساب میان.**

● راستی کن که راستان رستند راستان در جهان قوی‌دستند (۲/۳)

پایه‌های آوایی	رَا	سَ	تِی	گَن	کِ	رَا	سَ	تَانِ	رَسَ	تَنَد
	رَا	سَ	تَانِ	دَر	جَ	هَانِ	قَ	وِی	دَسَ	تَنَد
خوشه‌های هجایی	-	U	-	-	U	-	U	-	-	-X
	-	U	-	-	U	-	U	-	-	-X
وزن	فاعلاتن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن

➕ اصل وزن به صورت «فاعلاتن مفاعل فَعْلُن: UU / -U-U / --UU» بوده؛ ^{اقتا} ← ۲ اختیار شاعری مهم در این بیت به کار رفته:

۱ شاعر در رکن آغازین هر دو مصراع، به جای «فاعلاتن: UU--» از رکن «فاعلاتن: -U--» استفاده کرده.

۲ شاعر، به جای دو هجای کوتاه کنار هم در رکن پایانی هر دو مصراع، از هجای بلند (-) استفاده کرده؛

به عبارتی به جای رکن «فَعْلُن: UU-» از رکن «فَعْلُن: -» استفاده کرده. ^{ضمن این‌که} **هجای پایانی هر**

دو مصراع هم کشیده‌ست که طبق قاعده، هر دو، بلند (-) به حساب اومدن.



نمونه سؤالات چهارگزینه‌ای درس ۹

۳۱۹. تقطیع هجایی و ارکان بیت «آن شاه کز او خانه دل شاه‌نشین بود / از کلبه احزان گدا باز کجا رفت؟» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) --U / U--U / -U-U / U--
 (۲) -U / U--U / U--U / U--
 (۳) -U- / U--U / U-U- / U--
 (۴) --U / U--U / U--U / U--

۳۲۰. تقطیع هجایی و وزن بیت زیر، در کدام گزینه به درستی نشان داده شده است؟

«از عاشقی همیشه جوان است پیر ما خالی مباد عشق بتان از ضمیر ما»

(۱) -U / -U-- / -U-U / -U--
 (۲) -U / UU-- / -U-U / UU--
 (۳) -U / -U-- / UU-U / -U--
 (۴) - / UU-- / UU-- / UU--

۳۲۱. در کدام گزینه، به تقطیع هجایی و وزن بیت زیر، به درستی اشاره شده است؟

«مگر که در سر زلفین او وزید صبا که می‌وزد ز گلستان نسیم عنبر ناب؟»

(۱) --UU / -U-U / --UU / -U-U
 (۲) -UU / --UU / --UU / --UU
 (۳) -UU / -U-U / --UU / -U-U
 (۴) -U-U / --UU / -U-U / --UU

۳۲۲. علائم هجایی ذکرشده در مقابل همه مصراع‌ها درست است؛ به جز:

- (۱) مرا بی تو از دیده خون می‌رود: -U / --U / --U / -U
 (۲) داریم صبر اندک و بیش از شمار شوق: U-U- / U--U / U-U- / U--
 (۳) ز شوق روی تو ذوقی است در حدیث کمال: -UU / -U-U / --UU / -U-U
 (۴) پیش مستان، پارسایی خوش نمی‌آید مرا: -U- / --U- / --U- / -U-

۳۲۳. نمودار هجایی و وزن مربوط به کدام مصراع، در برابر آن نادرست است؟

- (۱) موصوفصفت سخره ذاتیم همه ← -- / UU-- / UU-- / UU--
 (۲) ما چشم خویش روشن دیدن نمی‌توانیم ← --U- / U-- / --U- / U--
 (۳) بخت و سعادت زند به دامن او چنگ ← - / UU- / U-U- / UU-
 (۴) لعل جان‌بخشت ز جان نازک‌تر است ← -U- / --U- / --U- / -U-

۳۲۴. علائم هجایی و وزن کدام مصراع، در کمانک مقابل آن به درستی آمده است؟

- (۱) نظر به سوی تو دارم غلام روی تو باشم (-U-U / -U-U / -U-U)
- (۲) داشت آن شاه به بالین دو حکیم (-U-U / -U-U / -U-U)
- (۳) بر روی زمین نشسته باشم خوش (-U-U / -U-U / -U-U)
- (۴) جان مرا در آن سخن محرم راز می‌کتی (-U-U / -U-U / -U-U)

۳۲۵. تقطیع هجایی و وزن کدام بیت با الگوی هجایی « -U-U / -U-U / -U-U » قابل تطبیق است؟

- (۱) گر تو چنین خوبروی بار دگر بگذری
- (۲) گو سر زلف او بکش پرده بر آفتاب و مه
- (۳) زنده شود هر که پیش دوست بمیرد
- (۴) هر که در این پرده نشانیش هست

سنت پرهیزگار دین قلندر شود
تا نفتد به خاک ره سایه سرو قامتش
مرده دل است آن که هیچ دوست نگیرد
در خور تن قیمت جانیش هست

۳۲۶. ارکان عروضی و وزن کدام بیت با علائم هجایی روبه‌رو مطابقت ندارد؟ « -U-U / -U-U / -U-U »

- (۱) حیف عاقل که نقد عمر نفیس
- (۲) سوختی جان ما به غمزه و زلف
- (۳) دوست در جان و نیست زو خبیرت
- (۴) در رهت ذره ناچیز شدیم

هیچ سازد برای نفس خسیس
چند ریزیم خاک بر سر وی؟!
تشنه می‌رتی و آب در نظرت
کم‌تر از ذره بسی نی‌ز شدیم

۳۲۷. تقطیع هجایی و وزن همه ابیات به جز _____ به شکل « -U-U / -U-U / -U-U » است.

- (۱) تا عشق تو در میان جان است
- (۲) جان‌های لطیف در فغان آید
- (۳) کان تخت‌نشین که اوج‌سای است
- (۴) ما را نظری که هست، بر توست

جان بر همه چیز کامران است
آن دم که من از غمت فغان گویم
خرد است ولی بزرگ‌رای است
خود حور و فرشته نیست منظور

۳۲۸. وزن عروضی کدام بیت با علائم هجایی « -U-U / -U-U / -U-U » مطابقت دارد؟

- (۱) خوش‌تر ز بقا چیز نیست زیرا
- (۲) ای پادشاه! سایه ز درویش وامگیر
- (۳) برنا کند صبا به فسون اکتون
- (۴) در عشق ز تیغ و سر نیتدیشم

ما را ز جهان جز بقا هوا نیست
ناچار خوشه‌چین بود آن‌جا که خرمن است
این پیرگشته صورت دنیا را
در کوی تو از خط‌ر نیتدیشم

(سراسری خارج ۹۴)

۳۲۹. وزن کدام بیت «مفعول مفاعیل مفاعیلن» است؟

- (۱) شاهی که به روز رزم از رادی
- (۲) خیزید که هنگام صبح دگر آمد
- (۳) ابیری پدید نی و کسوفی نی
- (۴) اسرار ازل را نه تو دانستی و نه من

زرین نهد او به تیر در پیکان
شب رفت و ز مشرق علم صبح برآمد
بگرفت ماه و گشت جهان تاری
وین شرح معما نه تو خوانستی و نه من

(سراسری خارج ۹۳)

۳۳۰. وزن کدام بیت، «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» است؟

- (۱) جام می‌گیرم و از اهل ریا دور شوم
- (۲) باغ بهشت و سایه طوبی و قصر حور
- (۳) آن‌که به پرسش آمد و فاتحه خواند و می‌رود
- (۴) من به گوش خود از دهانش دوش

یعنی از اهل جهان پاک‌دلی بگزینم
با خاک کوی دوست برابر نمی‌کنم
گو نفسی که روح را می‌کنم از پشاش روان
سخنانی شنیده‌ام که مپرس

(سراسری خارج ۸۶)

۳۳۱. وزن عروضی کدام بیت «مفاعِلن فَعَلاتن مفاعِلن فَعَلن» است؟

- (۱) تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او
 (۲) به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم
 (۳) هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق
 (۴) به چه دیر ماندی ای صبح؟ که جان من برآمد
- زان سفر دراز خود عزم وطن نمی کند
 شمایل تو بدیدم، نه عقل ماند و نه هوشم
 بر او نمرده به فتوای من نماز کنیدی
 پزه کردی و نکردند مؤذنان ثوابی

۳۳۲. وزن عروضی کدام یک از ابیات زیر، «مفعول مفاعِلن فعولن» است؟

- (۱) پروانه عشقم اوفتد آن خیزان
 (۲) چون با خرد ای بی خرد نسازی
 (۳) گر زلف برافشانی، در پا فکتی سرها
 (۴) ما را چه غریب شهر خوانی؟
- کز آتش تیزپر نیتدیشم
 جز رنج نبیتی و سوگواری
 چون لب به حدیث آری، بر باد دهی جانها
 عاشق همه جا غریب باشد

۳۳۳. همه ابیات زیر در وزن «مستفعلن مفاعِل مستفعلن فعل» سروده شده اند به جز:

- (۱) دایم حدیث روی نکو می کند کمال
 (۲) دارم من از جهان غم یاری، همین و بس
 (۳) جان بردن از آن غمزه چه امکان؟ که گرفته ست
 (۴) یارب! چه تیره می شودم روز زندگی
- اندیشه از حکایت بدگو نمی کند؟!
 در سر خیال روی نگاری، همین و بس
 گیسوی توام از پس و ابروی تو از پیش
 زیرا که نیست صبح وصال قرین دل

۳۳۴. کدام یک از ابیات زیر در وزن «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» سروده شده است؟

- (۱) عقل کجا پی برد شیوه سودای عشق؟!
 (۲) چون بجهد خنده ز من، خنده نهان دارم از او
 (۳) تا به منت الفت است، از همه دورم
 (۴) هان ای رقیب! از دامتش دست تصرف بگسلان
- باز نیابی به عقل سر معمای عشق
 روی ترش سازم از او، بانگ و فغان آرم از او
 تا به توام آشتی است، با همه جنگ است
 بگذار کامشب همچو مه هر جا رود تنها رود

۳۳۵. کدام بیت در وزن «مستفعل مستفعل مستفعل مستف» سروده نشده است؟

- (۱) دل گرچه خراب است ز غم، چون تو درآیی!
 (۲) دل سوخته شد در تف اندیشه تو
 (۳) معذور بود یارم اگر دیر بپرسید
 (۴) چون می گذرد عمر سبک، رطل گران ده
- آباد کنی کلبه ویرانه ما را
 بفکنند سپر در صف اندیشه تو
 کز کوی وفا خانه او دورتر افتاد
 وین چرخ گران از پی ما چون به شتاب است

(سراسری خارج ۹۵)

۳۳۶. وزن عروضی بیت زیر کدام است؟

- «گر سنگ از این حدیث بنالد عجب مدار»
 (۱) مستفعل فاعلات فعلن
 (۲) مفعول مفاعِلن مفعول مفاعِلن
 (۳) مفعول فاعلات مفاعِل فاعلن
 (۴) مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن
- صاحب دلان حکایت دل خوش ادا کنند

۳۳۷. وزن عروضی بیت «به رنج و سعی کسی نعمتی به دست آرد / دگر کس آید و بی رنج و سعی بردارد» کدام است؟

- (۱) مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فاعلاتن
 (۲) مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فعلن
 (۳) مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فعلن
 (۴) فَعَلاتن فاعلاتن فَعَلاتن فاعلاتن
- (سراسری خارج ۹۳)

۳۳۸. وزن عروضی بیت «کس نیست که افتاده آن زلف دو تانیست / در رهگذر کیست که دامی ز بلانیست؟» کدام است؟

- (۱) مفعول مفاعِلن مفاعِلن فعولن
 (۲) مفعول مفاعِلن مفاعِلن فعل
 (۳) مستفعل مستفعل فاعلاتن مستفعل فعلن
 (۴) مستفعل فاعلاتن مستفعل فعل
- (سراسری خارج ۹۱)

۳۳۹. وزن بیت «در سرو و مه چه گویی ای مجمع نکویی؟ / تو ماه مشک بویی، تو سرو سیم ساقی» چیست؟
- (۱) مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن
(۲) فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن (سراسری ۹۵)
(۳) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
(۴) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
۳۴۰. نام وزن عروضی بیت زیر چیست؟
- «زبان خامه ندارد سر بیان فراق»
(۱) مستفعلن فعلاتن مستفعلن فعل
(۲) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
(۳) مفتعلن مفاعیلن مفتعلن فاعلن
- (سراسری خارج ۹۵)
۳۴۱. وزن عروضی بیت زیر چیست؟
- «آن ترک پری چهره که دوش از بر ما رفت»
(۱) مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
(۲) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
(۳) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
(۴) مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن فعل
- آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت؟! (سراسری ۸۹)
۳۴۲. در کدام گزینه، به وزن بیت زیر به درستی اشاره شده است؟
- «اگرچه ریختن خون به حکم شرع خطاست»
(۱) مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن
(۲) فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن
(۳) فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن
(۴) مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن
- بریز خون صراحی که هست عین صواب
۳۴۳. بیت «دیو از تو دست خویش کجا شوید / تادل تو از طمع نکنی شسته؟!» در چه وزنی سروده شده است؟
- (۱) مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن
(۲) مفعول مفاعیلن فاعلاتن
(۳) مفعول فاعلاتن مفاعیلن
(۴) مفعول مفاعیلن فعولن
۳۴۴. وزن عروضی بیت زیر، کدام است؟
- «مرد که با عشق دست در کمر آید»
(۱) مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
(۲) مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فاعلن
(۳) مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن
(۴) مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فاعلن
- گر همه رستم بُود، ز پای در آید
۳۴۵. در کدام گزینه به وزن بیت «دل‌مردی که دار دبا که گوید؟ / گنه خود کرد، تاوان از که جوید؟» به درستی اشاره شده است؟
- (۱) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
(۲) مفعول مفاعیلن فعولن
(۳) فاعلاتن مفاعیلن فعلن
(۴) مفاعیلن مفاعیلن فعولن
۳۴۶. نام وزن عروضی کدام مصراع در مقابل آن غلط آمده است؟
- (۱) روی تو از دل ببرد منزلت و قدر ناز (مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)
(۲) جان مرا هست کنی مست چو بر من گذری (مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن)
(۳) ز داغ حسن دگر لاله‌زار پیدا کرد (مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن)
(۴) ماندم به چمن شب شد و مهتاب برآمد (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن فعولن)
- (سراسری داخل ۱۴۰۱)
۳۴۷. وزن کدام مصراع، در مقابل آن «غلط» آمده است؟
- (۱) چین زلف مشکین را بر رخ نگارم بین (مستفعل فاعلاتن فعلن)
(۲) ای دل چو خطش سر زد، پیوند از او مگسل (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن)
(۳) برخاست ز هر گوشه بلایی به کمینم (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن فعولن)
(۴) مژگان مردم‌افکن چشمان کافرش بین (مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن)
- (سراسری خارج ۱۴۰۰)

درس ۱۰: اختیارات شاعری (۱): زبانی

علوم و فنون ادبی دوازدهم

درس ۵

اختیارات شاعری

● دو مصراع یک بیت، همواره باید از نظر ضرباهنگ و چینش نشانه‌های هجایی (هجاهای کوتاه و بلند)، به صورت بسیار دقیق با یکدیگر همخوانی داشته باشند: **به عبارتی** ← هم «نظم و تساوی هجاهای دو مصراع» باید کاملاً رعایت شود و هم «نوع هجاهای روبه‌روی هم در دو مصراع» (اعم از این که هجای کوتاه یا بلند باشند) باید کاملاً یکسان باشد.

● گاه، تناسب آوایی و یکسانی و هماهنگی دو مصراع از بین می‌رود: **به عبارتی** ← گاه، برخی هجاهای روبه‌روی هم در دو مصراع، با یکدیگر یکسان نیستند و مطابقت ندارند: **بنابراین** ← شاعران برای این که این نوع ناهماهنگی را به هماهنگی تبدیل کنند و هجاهای متفاوتِ روبه‌روی هم در دو مصراع را با یکدیگر مطابق سازند، از اختیارات و قابلیت‌هایی بهره می‌گیرند که به آن‌ها «**اختیارات شاعری**» گفته می‌شود. **ساده‌تر بگم برات: همون جور که می‌دولی، وزن به شعر زمانی به صورت درست به دست میاد که هجاهای روبه‌روی هم توی دو مصراع، کاملاً یکسان و مشابه باشن؛** **اقتاً** ← گاهی وقتاً - بعد از تقطیع هجایی شعر - ممکنه بعضی هجاهای روبه‌روی هم یکسان نباشن؛ مثلاً یکی از اونا «هجای کوتاه (U)» و اون یکی، «هجای بلند (-)» باشه؛ **بسی** ← برای این‌که به وزن شعر برسیم، باید هجاها رو یکسان‌سازی کنیم. این جور اختیارات رو که شاعر بر اساس اونا می‌تونه هجاهای ناهماهنگ رو به هجاهای یکسان و هماهنگ تبدیل کنه، می‌گیم «اختیارات شاعری». **گرفتی قضیه رو؟! حالا مثالو ببین:**

مثال درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را

د	ز	خ	ت	ت	ن	ر	د	ن	پ	گ	ز	پایه‌های آوایی
پ	ز	ی	و	و	خ	ر	ن	ف	ی	ری	را	
U	-	-	U	U	-	-	-	U	-	-	-	خوشه‌های هجایی
U	-	-	U	U	-	-	-	U	-	-	-	
	فعولن		فعولن		فعولن		فعولن		فعولن		فعولن	وزن

➕ هر مصراع این بیت، ۱۲ هجا دارد. از طرفی، با توجه به نظمی که در بین هجاهای آن دیده می‌شود، هجاها را می‌توان به چهار خوشه «۳هجایی» یعنی چهارتا «U--» تقسیم کرد: **به این ترتیب** ← مطمئناً هجای سوم مصراع اول (ت) نیز که یک هجای کوتاه است، طبق اختیارات شاعری، باید به یک هجای بلند (-) تبدیل شود تا با هجای بلندِ روبه‌روی خود (را) یکسان شود و نهایتاً وزن بیت به صورت «U-- / U-- / U--» حاصل شود.

۵ گاه، هجای پایانی یکی از مصراع‌ها «هجای کوتاه» و «هجای پایانی» مصراع دیگر، یک «هجای کشیده» است.

مثال سرور را مانی، ولیکن سرور را رفتار نه ماه را مانی، ولیکن ماه را گفتار نیست

سُر	و	رَا	مَآ	نِی	و	لِی	کُن	سُر	و	رَا	زَف	تَا	ر	ن
مَآ	ه	رَا	مَآ	نِی	و	لِی	کُن	مَآ	ه	رَا	گَف	تَا	ر	نِیست
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	-	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	-	-
وزن	فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلتن	

+ هجای پایانی مصراع اول (ن) یک هجای کوتاه و هجای پایانی مصراع دوم (نیست) یک هجای کشیده است؛ بنابراین هر دو را طبق اختیار وزنی «بلند بودن هجای پایان مصراع»، هجای بلند (-) به حساب می‌آوریم.

توجه!

اگر هجای پایانی مصراع‌ها به «ان، ون، ین» ختم شده باشد **در این صورت** ← این نوع هجاها، به هیچ‌وجه هجای کشیده نیستند و اختیار وزنی «بلند بودن هجای پایان مصراع» در موردشان صدق نمی‌کند. پس حواست باشه که توی این نوع هجاها، باید از همون اول، «ن» ساکن رو که بعد از مصوت‌های بلند «ا، و، ی» اومد، حذف کنی و هجای مورد نظر رو به هجای بلند بدونی؛ چون - همون جور که قبلاً توی مبحث قواعد تعیین وزن و تقطیع هجایی بهت گفتم - «ن» ساکن بعد از مصوت بلند «ا، و، ی» در صورتی که به هجای بعد متصل نشه، توی تقطیع هجایی، حذف می‌شه و به حساب نمیاد. لگی نگفتی!

مثالو ببین:

مثال دو چشم مست می‌گونت ببرد آرام هشیاران دو خواب‌آلوده بزبوندند عقل از دست بیداران

دُ	چَشم	م	مَس	ت	مِی	گو	نَت	پ	بُر	دَا	رَا	م	هَش	یا	رَا
دُ	خَا	بَا	لُو	دِ	پَر	بُو	دَن	د	عَق	لَز	دَس	ت	بِی	دَا	رَا
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
وزن	مفاعیلن			مفاعیلن			مفاعیلن			مفاعیلن			مفاعیلن		

+ هجای پایانی هر دو مصراع (رَا، رَا)، هجای بلند است و «ن» ساکن بعد از مصوت بلند «ا» در این هجاها، طبق قواعد تقطیع هجایی، به حساب نمی‌آید و حذف می‌شود.

نکاهی به گذشته در اوزان همسان دولختی (دوری) ← هجای پایانی نیم‌مصراع‌ها همانند هجای پایانی مصراع‌ها یک هجای بلند (-) به حساب می‌آید (در حکم یک هجای بلند است).

مثال سرور درآید ز پای، چون تو بجنبی ز جای ماه بیفتد به زیر، چون تو برآیی به بام

سُر	و	دَ	رَا	یَد	زِ	پَی	چُن	تْ	پ	جُن	بِی	زِ	جای
مَآ	ه	پ	یَف	تَد	پ	زِیَر	چُن	تْ	بَ	رَا	بِی	پ	بام
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
وزن	مفتعلن			فاعلتن			مفتعلن			فاعلتن			

+ هجای پایانی نیم‌مصراع‌های اول (پای، زیر)، هجای کشیده هستند که مثل هجای پایانی مصراع‌ها (جای، بام)، هجای بلند (-) به حساب می‌آیند.



۴۵۸. در کدام مصراع، اختیارات شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند»، «حذف همزه» و «بلند کردن هجای پایانی» صورت گرفته است؟

(سراسری ۹۵)

- (۱) مخالفت نکنم، آن کنم که فرمان است
 (۲) که جهل پیش خردمند، عذر نادان است
 (۳) نه آبروی، که گر خون دل بخواهی ریخت
 (۴) هزار سختی اگر بر من آید آسان است

۲. اختیار وزنی «آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن آغازین مصراع»

● در آن دسته از اوزان شعری که با رکن «فعلاتن: لال--» آغاز می‌شوند، شاعر به ضرورت وزن شعر می‌تواند فقط و فقط در رکن آغازین مصراع، به جای رکن «فعلاتن: لال--» از رکن «فاعلاتن: ل--» استفاده کند (یعنی می‌تواند به جای هجای کوتاه (ل) در ابتدای مصراع‌ها، یک هجای بلند (-) بیاورد): **اقتا** ← عکس این درست نیست: یعنی در آن دسته از اوزان شعری که با رکن «فاعلاتن: ل--» آغاز می‌شوند و یا از تکرار منظم رکن «فاعلاتن: ل--» ساخته می‌شوند (مانند «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن»، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» و «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن») به هیچ‌وجه نمی‌توان به جای رکن «فاعلاتن: ل--» در آغاز مصراع، از رکن «فعلاتن: لال--» استفاده کرد.

● این نوع اختیار وزنی ممکن است در «رکن آغازین مصراع اول» یا «رکن آغازین مصراع دوم» و یا در «رکن آغازین هر دو مصراع» اتفاق بیفتد.

مثال چند تا مثال ببین تا بهتر متوجه موضوع بشی:

تو چنان صاحب حسنی که ندانم که چه گویم

هر کجا صاحب حسنی است، ثنا گفتم و وصفش

هر	ک	جا	صا	ج	ب	حس	نی	ست	ث	نا	گف	ث	م	وص	فش
ت	چ	نا	صا	ج	ب	حس	نی	ک	ث	دا	نم	ک	چ	گو	یم
-	-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
-	-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
وزن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن

➔ در رکن آغازین مصراع اول، به جای رکن «فعلاتن: لال--» از رکن «فاعلاتن: ل--» استفاده شده.

همچنان بر سر آنم که وفادار تو باشم

نه در این عالم دنیا، که در آن عالم عقبی

ن	د	ری	عا	ل	م	د	یا	ک	د	را	عا	ل	م	عق	با
هم	چ	نا	بر	س	ر	آ	نم	ک	و	فا	دا	ر	ث	با	شم
-	-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
-	-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
وزن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن

➔ وزن بیت، «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» است: **اقتا** ← شاعر با استفاده از اختیار وزنی، در رکن آغازین مصراع دوم، به جای رکن «فعلاتن: لال--» از رکن «فاعلاتن: ل--» استفاده کرده.

مثال کاش کان دلبر عیار که من کشته‌ اویم بار دیگر بگذشتی که کند زنده به بویم

پایه‌های آوایی	کا	ش	کان	دل	ب	ر	عی	یا	ر	ک	مَن	گُش	ت	ی	او	یم
خوشه‌های هجایی	با	ر	دیه	مگر	پ	گ	دَش	تی	ک	گ	نَد	زَن	د	پ	بو	یم
وزن	فاعلاتن				فعلاتن				فعلاتن							

➕ وزن بیت، «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» است؛ **اقتا** ← شاعر با استفاده از اختیار وزنی، در رکن آغازین هر دو مصراع، به جای رکن «فعلاتن: لال-» از رکن «فاعلاتن: ل-ل-» استفاده کرده؛ **به عبارتی** ← به جای هجای کوتاه (U) ابتدای مصراع‌ها، یک هجای بلند (-) به کار برده.

🗝️ همون جور که دیدی، وزن هر سه بیت قبل، «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» بود؛ **اقتا** ← توی اولین مثال، به جای رکن آغازین مصراع اول، از رکن «فاعلاتن» استفاده شده بود؛ توی دومین مثال، به جای رکن آغازین مصراع دوم، از رکن «فاعلاتن» استفاده شده بود و توی سومین مثال هم، به جای رکن آغازین هر دو مصراع، رکن «فاعلاتن» به کار رفته بود.

کلید حالا به راه حل «هلو» برا تشخیص این نوع اختیار شاعری توی بیت‌ها بهت می‌دم، برو حالشو ببرا اختیار وزنی «آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن آغازین مصراع» ← فقط و فقط توی این ۴ تا وزن اتفاق می‌افته:

- ۱ فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن: لال- / لال- / لال- / لال-
- ۲ فعلاتن فعلاتن فعلاتن فَعَلَن: لال- / لال- / لال- / لال-
- ۳ فعلاتن فعلاتن فَعَلَن: لال- / لال- / لال-
- ۴ فعلاتن مفاعِلَن فَعَلَن: لال- / ل-ل- / لال-

بنابراین، اگه بیتی توی یکی از این وزن‌ها سروده شده باشه و به جای «فعلاتن» آغاز مصراعش، رکن «فاعلاتن: ل-ل-» اومده باشه، مشمول این اختیار وزنی می‌شه (یعنی این اختیار وزنی توی اون به کار رفته)؛ **به این ترتیب** ← توی تست‌هایی که این اختیار وزنی مورد سؤال قرار می‌گیره، برا این که وقت هدر نره و راحت‌تر به گزینه درست و مورد نظر برسی، فقط و فقط برو سراغ بیت‌هایی که توی یکی از همین ۴ تا وزن سروده شدن. با بیت‌هایی که بارکن «مفاعِلَن، مفتَعَلَن، مفاعیلَن، مستفعِلَن، فعولَن...» و خلاصه بیت‌هایی که بارکن‌هایی غیر از «فعلاتن» یا «فاعلاتن» شروع شدن، اصلاً کاری نداشته باش. افتاد؟!

🗝️ برای هر کدام از این وزن‌ها به مثال می‌زنم تا بهتر قضیه رو بگیری:

مثال ای که از کلک هتر، نقش دل‌انگیز خدایی! حیف باشد مه من! کاین همه از مهر جدایی

پایه‌های آوایی	ای	ک	از	کل	ک	ه	نر	نق	ش	د	لند	گی	ز	خ	دا	یی
خوشه‌های هجایی	جی	ف	با	شد	م	ه	من	کین	ه	م	از	مه	ر	ج	دا	یی
وزن	فاعلاتن				فعلاتن				فعلاتن							

➕ وزن این بیت، «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» است؛ **اقتا** ← شاعر در رکن آغازین هر دو مصراع آن، به جای «فعلاتن» از رکن «فاعلاتن» استفاده کرده است.

بحر هزج مسدس محذوف؛ مقاعیلن مقاعیلن مقاعی (= فعولن)

(U / --- U / --- U)

• از وزنی که از ۳ بار تکرار منظم رکن عروضی «مقاعیلن: U / --- U» در هر مصراع (یعنی ۶ بار در کل بیت) ساخته شده، اگر آخرین هجا از رکن پایانی («مقاعیلن» پایانی آن) حذف شود، یک وزن همسان جدید به صورت «مقاعیلن مقاعیلن مقاعی (= فعولن): U / --- U / --- U / --- U» ایجاد می‌شود که آن را «هزج مسدس محذوف» می‌نامند؛ به این صورت:

◀ مقاعیلن مقاعیلن مقاعیلن مقاعی (= فعولن) با حذف آخرین هجا از رکن پایانی
 (U / --- U / --- U) (X---U / --- U / --- U)
 بحر هزج مسدس محذوف بحر هزج مسدس سالم

مثال زهی زیبا جمالی، این چه روی است؟! زهی مشکین کمندی، این چه موی است!؟

وزن	مقاعیلن	مقاعیلن	مقاعی (= فعولن)
پایه‌های آوایی	زَ هی زی با	ما لی این	چ رو یست
خوشه‌های هجایی	U	U	U
	-	-	-
	-	-	-
	-	-	-
	-	-	-

⊕ وزن این بیت، «هزج مسدس محذوف» است. ① «هزج» است؛ زیرا از تکرار منظم رکن «مقاعیلن: U / --- U» ساخته شده. ② مسدس است؛ زیرا هر مصراع آن ۳ رکن و کل بیت، در مجموع، ۶ رکن دارد. ③ «محذوف» است؛ زیرا آخرین هجا از رکن پایانی («مقاعیلن» پایانی آن) حذف شده.

⊕ در مورد نمونه‌های بعدی هم، وضع از همین قراره؛ ببین:

مثال نگارا! جسمت از جان آفریدند ز کفر زلفت، ایمان آفریدند

وزن	مقاعیلن	مقاعیلن	مقاعی (= فعولن)
پایه‌های آوایی	نَ گا را چس	مَ تَز جا نا	فَ رِ دَند
خوشه‌های هجایی	U	U	U
	-	-	-
	-	-	-
	-	-	-
	-	-	-

⊕ هجای سوم مصراع دوم (ر) به هجای کوتاهه که طبق اختیار زبانی «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه» به هجای بلند (-) تبدیل می‌شه؛ به علاوه، هجای پایانی هر دو مصراع هم اگرچه کشیده‌ست، هر دوشونو طبق اختیار وزنی «بلند بودن هجای پایان مصراع»، بلند به حساب می‌اریم.

مثال بیا، کاین دل سر هجران ندارد به جز وصلت، دگر درمان ندارد

وزن	مقاعیلن	مقاعیلن	مقاعی (= فعولن)
پایه‌های آوایی	بَ یا کین دل	رَ هَج رَ	نَ دا رَد
خوشه‌های هجایی	U	U	U
	-	-	-
	-	-	-
	-	-	-
	-	-	-



آزمون جامع ۱

۶۵۵. حروف اصلی قافیه در کدام بیت به صورت «مصوت + صامت + صامت» نیست؟

- (۱) درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند
 (۲) زنده نباشد بر بینندگان
 (۳) من همان روز که آن خال بدیدم گفتم
 (۴) ساقی! بیا که یار ز رخ پرده برگرفت

جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند
 لیک بود رنج دل زندگان
 بیم آن است بدین دانه که در دام افتم
 کار چراغ خلوتیان باز درگرفت

حرف آزرده در شتانه بود خرده مگیر
 نظری سوی این اسیران کن
 که بویش همه باغ و صحرا گرفت
 عشق پرست ای پسر! باد هواست مابقی
 آینه صبح را ترجمه شبانه کن

(۱) دو (۲) سه (۳) یک (۴) چهار

۶۵۶. قافیه در چه تعداد از ابیات زیر نادرست است؟

- (الف) خرده بر حرف درشت من آزرده مگیر
 (ب) گذری جانب غریبان کن
 (پ) گل تازه در باغ چندان شکفت
 (ت) جان به فدای عاشقان، خوش هوسی است عاشقی
 (ث) آب حیات عشق را در رگ ما روانه کن

۶۵۷. وزن عروضی سروده زیر، کدام است؟

«مفهوم مرگ من / در راه سرفرازی تو، در کنار تو / مفهوم زندگی است.»

- (۱) مفاعیلن فعلاتن / مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعّلن / مفاعیلن فعّلن
 (۲) مستفعلن مفاعیلن / مستفعلن مفاعیلن مستفعلن فعّل / مستفعلن فعّل
 (۳) مفعول فاعلن / مفعول فاعلاتن مفاعیلن فاعلن / مفعول فاعلن
 (۴) مستفعلن فعّلن / مستفعلن مفاعیلن مستفعلن فعّل / مستفعلن فعّل

۶۵۸. نام وزن عروضی کدام مصراع در مقابل آن نادرست ذکر شده است؟

- (۱) چون زلف توام جانا در عین پریشانی ← مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن
 (۲) یک نواله ست از آن خوان به دهان ← فاعلاتن مفاعیلن فعّلن
 (۳) گونه زردش دلیل ناله زارش گواست ← مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
 (۴) چشمم افتاد به چشم تو ولی خیره نماند ← فاعلاتن فعلاتن فعّلن

۶۵۹. ابیات زیر، فاقد کدام اختیار شاعری است؟

«و گر به دست نگارین دوست کشته شویم
 نگارخانه چینی که وصف می گویند»

- (۱) بلند بودن هجای پایان مصراع
 (۲) ابدال
 (۳) حذف همزه
 (۴) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

۶۶۰. در کدام بیت، تمامی اختیارات وزنی به جز «قلب» به همراه «حذف همزه» دیده می‌شود؟

- (۱) آه اگر دست دل من به تمنا نرسد
 (۲) بر سر خوان لب‌ت دست چو من درویشی
 (۳) چون تویی را چو منی در نظر آید؟! هیهات
 (۴) غم هجرانت به سویت‌تر از این قسمت کن

۶۶۱. نام بحر عروضی بیت «زهی شوخ‌چشمی که من کرده‌ام / که جان را به جانان فرستاده‌ام» کدام است؟

- (۱) متقارب مثنی‌م سالم (۲) هزج مثنی‌م محذوف (۳) متقارب مثنی‌م محذوف (۴) رمل مثنی‌م سالم

۶۶۲. وزن کدام یک از ابیات زیر را نمی‌توان به دو صورت متفاوت دسته‌بندی هجایی کرد؟

- (۱) هر وقت خوش که دست دهد مغتم شمار
 (۲) بنمای جمال خویش و بفزای
 (۳) عذر از که توان خواست که دلبر نپذیرد
 (۴) راحتم از روزگار خویش همین است

۶۶۳. با توجه به «علوم و فنون ادبی»، کدام گزینه در مورد ابیات زیر درست است؟

- «آخر این مور میان‌بسته افتان خیزان
 پیش تو مردن از آن به که پس از من گویند»

(۱) قافیة ابیات طبق قاعده «۲» و تبصره «۱» سروده شده و «برفت» ردیف شعر است.

(۲) شعر در وزن همسان تک‌پایه‌ای است و در ابیات ۶ بار اختیار «حذف همزه» به کار رفته است.

(۳) در این سروده اختیار زبانی «تغییر کمیت مصوت کوتاه پایان کلمه» وجود دارد و مجموع اختیارات شاعری ابیات ۱۴ تاست.

(۴) در ابیات، اختیارات وزنی «ابدال، بلند بودن هجای پایانی و آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن» (هر کدام ۲ بار) دیده می‌شود.

آزمون جامع ۲



۶۶۴. در کدام بیت، ساختار «حروف اصلی قافیه» با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) چو بالای تو گر سروی میان بوستانستی
 (۲) دوش می‌آمد و رخساره برافروخته بود
 (۳) اهل دل در هوس عشق تو سرگردانند
 (۴) صبح تا آستین برافشانده است

۶۶۵. «قاعده و تبصره قافیه» در کدام گروه از ابیات زیر یکسان است؟

- (الف) دانی چگونه باشد از دوستان جدایی؟
 (ب) ای سراندازان! سراندازی کنید
 (پ) کاش آن دلبر عیار که من کشته‌ام اویم
 (ت) این باغ حُسن چون تو نهالی نیافته
 (ث) رازی است در آن چشم سیاهت بنمایش

(۱) ب - پ (۲) پ - ت (۳) الف - ث (۴) الف - ت

درس ۹

۳۱۶. گزینه «۳» تقطیع هجایی و وزن بیت:

ما	ذ	ر	خَل	وَت	بِ	رِ	وِ	ی	خَل	ق	بِ	بَس	تیم
-	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
از	ه	م	بَا	زَا	مَ	دِ	مَ	بَا	تَ	نِ	شَس	تیم	
-	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
			مفتعلن	فاعلات			مفتعلن	فَع					

وزن این بیت، یک وزن «ناهمسان» است که تنها به همین صورت تقطیع هجایی می‌شود.

بررسی تقطیع هجایی و وزن سایر گزینه‌ها:

۱ «U--U / U--U / U--U / U--U»: مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیل (= فعولن) یا «U--U / U--U / U--U / U--U»: مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل «لوزن این بیت، «وزن ناهمسان» است و به دو صورت تقطیع هجایی می‌شود.

۲ «U--U / U--U / U--U / U--U»: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن «یا «U--U / U--U / U--U / U--U»: مستفعلن مفاعل مستفعلن فَعْلن «لوزن این بیت، «وزن ناهمسان» است و به دو صورت تقطیع هجایی می‌شود.

۴ «U--U / U--U / U--U»: مفعول مفاعلن مفاعیل (= فعولن) یا «U--U / U--U / U--U»: مستفعل فاعلات مستفعل «لوزن این بیت، «وزن ناهمسان» است و به دو صورت تقطیع هجایی می‌شود.

۳۱۷. گزینه «۴» تقطیع هجایی و وزن بیت:

در	مَ	دِ	اِب	مَ	بَا	دِ	لِ	عَم	خَا	رِ	مِ	کُ	جاست
-	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
در	آ	تَ	شِ	مَ	بَا	چَ	رَ	تَش	نِ	أ	بُ	کو	
-	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
					مفعول		فاعلات		مفاعیل		فاهلن		

هجای این وزن ناهمسان را می‌توان به شکل «U--U / U--U / U--U / U--U»: مستفعلن مفاعل مستفعلن فَعْلن نیز تقطیع کرد.

۳۱۸. گزینه «۱» تقطیع هجایی و وزن بیت:

ای	دِ	دِ	ی	عَا	شِ	قَا	بِ	رِ	یَت
-	-	U	-	U	-	U	-	U	-
چُن	رِ	ی	مَ	جَا	وِ	رَا	بِ	مِح	رَاب
-	-	U	-	U	-	U	-	U	-
			مفعول		مفاعلن		مفاعیل (= فعولن)		

هجای این بیت را می‌توان به شکل «U--U / U--U / U--U / U--U»: مستفعل فاعلات مستفعل نیز تقطیع کرد.

۳۱۹. گزینه «۴» تقطیع هجایی و وزن بیت:

اَی	شَا	هَ	کَ	زِ	خَا	نِ	ی	دِل	شَا	هَ	نِ	شِ	بُود
-	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
از	کَل	بِ	ی	أَح	زَا	نِ	مِ	دَا	بَا	زَ	کَ	جَا	رَفَت
-	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
			مفعول		مفاعیل		مفاعیل		مفاعیل		مفاعیل (= فعولن)		

هجای این بیت را می‌توان به شکل «U--U / U--U / U--U / U--U»: مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل نیز تقطیع کرد.

۳۲۰. گزینه «۳» تقطیع هجایی و وزن بیت:

از	عَا	شِ	قِ	هَ	مِ	شِ	جَا	وَا	نَس	ثَ	پِ	رِ	مَا
-	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
خَا	لِ	مَ	بَا	ذَ	عِش	قِ	بَ	تَا	تَز	ضَ	مِ	رِ	مَا
-	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
			مستفعلن		مفاعل		مستفعلن		مستفعلن		فَعْل		

هجای این بیت را می‌توان به شکل «U--U / U--U / U--U / U--U»: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن نیز تقطیع کرد.

۳۲۱. گزینه «۳» تقطیع هجایی و وزن بیت:

مَ	عَمْرَ	کِ	دَر	نَسَ	رَ	زَکَ	فِ	نِ	أَو	وَ	زِ	دَ	ضَا	
-	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-	
کِ	مِ	وَ	زَدَ	زِ	مَ	لِ	تَا	نِ	سِ	مِ	عَن	دَ	رِ	نَاب
-	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-	
			مفاعلن		فعلاتن		مفاعلن		فَعْلن					

۱ .۷۱۳	۴ .۶۷۶	۲ .۶۳۹	۴ .۶۰۲	۴ .۵۶۵	۲ .۵۲۸	۱ .۴۹۱
۳ .۷۱۴	۲ .۶۷۷	۴ .۶۴۰	۳ .۶۰۳	۴ .۵۶۶	۳ .۵۲۹	۲ .۴۹۲
۴ .۷۱۵	۲ .۶۷۸	۳ .۶۴۱	۴ .۶۰۴	۲ .۵۶۷	۴ .۵۳۰	۴ .۴۹۳
۳ .۷۱۶	۱ .۶۷۹	۱ .۶۴۲	۳ .۶۰۵	۳ .۵۶۸	۳ .۵۳۱	۳ .۴۹۴
۳ .۷۱۷	۳ .۶۸۰	۳ .۶۴۳	۳ .۶۰۶	۱ .۵۶۹	۳ .۵۳۲	۳ .۴۹۵
۲ .۷۱۸	۴ .۶۸۱	۳ .۶۴۴	۲ .۶۰۷	۳ .۵۷۰	۳ .۵۳۳	۱ .۴۹۶
۳ .۷۱۹	۳ .۶۸۲	۳ .۶۴۵	۳ .۶۰۸	۴ .۵۷۱	۴ .۵۳۴	۴ .۴۹۷
۴ .۷۲۰	۲ .۶۸۳	۲ .۶۴۶	۱ .۶۰۹	۲ .۵۷۲	۳ .۵۳۵	۳ .۴۹۸
۳ .۷۲۱	۳ .۶۸۴	۴ .۶۴۷	۳ .۶۱۰	۳ .۵۷۳	۲ .۵۳۶	۴ .۴۹۹
۲ .۷۲۲	۳ .۶۸۵	۲ .۶۴۸	۴ .۶۱۱	۲ .۵۷۴	۲ .۵۳۷	۱ .۵۰۰
۴ .۷۲۳	۲ .۶۸۶	۳ .۶۴۹	۲ .۶۱۲	۴ .۵۷۵	۴ .۵۳۸	۲ .۵۰۱
۳ .۷۲۴	۲ .۶۸۷	۴ .۶۵۰	۴ .۶۱۳	۲ .۵۷۶	۳ .۵۳۹	۲ .۵۰۲
۲ .۷۲۵	۴ .۶۸۸	۳ .۶۵۱	۳ .۶۱۴	۳ .۵۷۷	۳ .۵۴۰	۱ .۵۰۳
۴ .۷۲۶	۲ .۶۸۹	۴ .۶۵۲	۲ .۶۱۵	۴ .۵۷۸	۴ .۵۴۱	۲ .۵۰۴
۴ .۷۲۷	۳ .۶۹۰	۳ .۶۵۳	۴ .۶۱۶	۳ .۵۷۹	۴ .۵۴۲	۴ .۵۰۵
۲ .۷۲۸	۴ .۶۹۱	۲ .۶۵۴	۱ .۶۱۷	۴ .۵۸۰	۳ .۵۴۳	۳ .۵۰۶
۳ .۷۲۹	۳ .۶۹۲	۴ .۶۵۵	۳ .۶۱۸	۱ .۵۸۱	۲ .۵۴۴	۳ .۵۰۷
۲ .۷۳۰	۲ .۶۹۳	۱ .۶۵۶	۳ .۶۱۹	۳ .۵۸۲	۳ .۵۴۵	۴ .۵۰۸
۴ .۷۳۱	۳ .۶۹۴	۳ .۶۵۷	۳ .۶۲۰	۴ .۵۸۳	۴ .۵۴۶	۲ .۵۰۹
۳ .۷۳۲	۴ .۶۹۵	۲ .۶۵۸	۱ .۶۲۱	۳ .۵۸۴	۳ .۵۴۷	۱ .۵۱۰
۳ .۷۳۳	۲ .۶۹۶	۴ .۶۵۹	۴ .۶۲۲	۳ .۵۸۵	۳ .۵۴۸	۴ .۵۱۱
۲ .۷۳۴	۳ .۶۹۷	۳ .۶۶۰	۳ .۶۲۳	۴ .۵۸۶	۴ .۵۴۹	۳ .۵۱۲
۳ .۷۳۵	۳ .۶۹۸	۳ .۶۶۱	۲ .۶۲۴	۴ .۵۸۷	۴ .۵۵۰	۴ .۵۱۳
۳ .۷۳۶	۴ .۶۹۹	۴ .۶۶۲	۱ .۶۲۵	۳ .۵۸۸	۳ .۵۵۱	۲ .۵۱۴
۱ .۷۳۷	۳ .۷۰۰	۲ .۶۶۳	۴ .۶۲۶	۲ .۵۸۹	۴ .۵۵۲	۴ .۵۱۵
۴ .۷۳۸	۴ .۷۰۱	۲ .۶۶۴	۳ .۶۲۷	۳ .۵۹۰	۳ .۵۵۳	۲ .۵۱۶
۲ .۷۳۹	۳ .۷۰۲	۳ .۶۶۵	۴ .۶۲۸	۴ .۵۹۱	۳ .۵۵۴	۴ .۵۱۷
۴ .۷۴۰	۴ .۷۰۳	۴ .۶۶۶	۴ .۶۲۹	۳ .۵۹۲	۳ .۵۵۵	۳ .۵۱۸
۳ .۷۴۱	۲ .۷۰۴	۳ .۶۶۷	۱ .۶۳۰	۴ .۵۹۳	۲ .۵۵۶	۴ .۵۱۹
۳ .۷۴۲	۴ .۷۰۵	۲ .۶۶۸	۳ .۶۳۱	۴ .۵۹۴	۲ .۵۵۷	۲ .۵۲۰
۴ .۷۴۳	۴ .۷۰۶	۴ .۶۶۹	۴ .۶۳۲	۴ .۵۹۵	۳ .۵۵۸	۱ .۵۲۱
۳ .۷۴۴	۳ .۷۰۷	۳ .۶۷۰	۴ .۶۳۳	۲ .۵۹۶	۴ .۵۵۹	۲ .۵۲۲
	۱ .۷۰۸	۲ .۶۷۱	۳ .۶۳۴	۴ .۵۹۷	۳ .۵۶۰	۳ .۵۲۳
	۴ .۷۰۹	۱ .۶۷۲	۳ .۶۳۵	۴ .۵۹۸	۳ .۵۶۱	۳ .۵۲۴
	۳ .۷۱۰	۴ .۶۷۳	۲ .۶۳۶	۲ .۵۹۹	۲ .۵۶۲	۳ .۵۲۵
	۲ .۷۱۱	۳ .۶۷۴	۱ .۶۳۷	۳ .۶۰۰	۴ .۵۶۳	۲ .۵۲۶
	۴ .۷۱۲	۳ .۶۷۵	۴ .۶۳۸	۴ .۶۰۱	۳ .۵۶۴	۴ .۵۲۷

برای مشاهده کنکور دی و تیر امسال
این QR code را اسکن کنید.

